

**بررسی رابطه بین مولفه های عینی و ذهنی قومیت با توسعه مشارکت سیاسی در شرق استان گلستان
(با تاکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی)**

عباسعلی عرب^۱، امیر مسعود امیرمظاهری^۲

چکیده

هدف بررسی رابطه بین مولفه های عینی و ذهنی قومیت با توسعه مشارکت سیاسی در شرق استان گلستان (با تاکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی) می باشد. روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری کلیه افراد ۱۸ سال به بالای سه قوم فارس، ترکمن و سیستانی می باشد. روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه است برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون T و تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره و ضرایب همبستگی و تحلیل مسیر استفاده گردیده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که بین مولفه های عینی (سطح تحصیلات، عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت، توجه به نظرات) با میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه معنی دار وجود دارد و همچنین بین مولفه های ذهنی (قوم گرایی، احترام به نخبگان، احترام به بزرگان و ریش سفیدان) با توسعه مشارکت سیاسی رابطه معنی دار وجود دارد. و فرضیات تحقیق با افزودن نقش متغیر جنسیت و قومیت نیز مورد بررسی قرار گرفت که در نتیجه رابطه بین مولفه های عینی و ذهنی با توسعه مشارکت سیاسی دارای رابطه ای معنادار است.

واژگان کلیدی: قومیت، قوم گرایی، توسعه مشارکت سیاسی، انتخابات، عینی، ذهنی، شرق گلستان.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۲۶

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی، گرایش سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: abali.arab1339@gmail.com)

^۲ دانشیار گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: a.amirmazaheri@gmail.com)

مقدمه

ساختارهای سیاسی بسترهای انجام فعالیت سیاسی افرادند. امروزه شهروندان تحت پوشش شبکه‌هایی از مقررات قرار دارند که به نحوی با مقررات حکومتی در ارتباط است؛ بنابراین مشارکت شهروندان بیانگر نحوه بهره‌برداری شهروندان واجد شرایط مشارکتی از فرصت‌هایی است که حکومت‌ها در اختیار آنها قرار می‌دهند. «توسعه فرآیند ارتقاء و اعتلای مادی و معنوی جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب است که زمینه‌های مناسب را برای تعالی همه جانبه انسان‌ها فراهم می‌کند» (Rad, 2005, 53). توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، انسانی و فرهنگی و سیاسی مطرح شده است و «توسعه سیاسی شرایط لازم را برای مشارکت‌های سیاسی فراهم می‌آورد که حاصل افزایش قدرت و قابلیت یک نظام سیاسی است» (Azkia, 2008, 39).

مشارکت یعنی حضور مردم در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی جامعه (Mehrabi, 2008, 57) و مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است (Mosafa, 1997, 9). مشارکت سیاسی اشکال مختلفی دارد که می‌توان از مبارزات انتخاباتی، اعمال نفوذ بر سیاست‌مداران و رأی دادن نام برد. مشارکت سیاسی برای هر نظام سیاسی دارای آثار و پیامدهایی است. ثبات و کارآمدی هر نظام سیاسی همواره نیازمند تأیید و به رسمیت شناختن از سوی مردم است. می‌توان بارزترین نمود مشارکت سیاسی را انتخابات دانست (Fereydouni, 2005, 62). انتخابات یکی از شاخصه‌های توسعه سیاسی و بیانگر نقش مردم در حکومت است. قوانین انتخاباتی، اجرای آن و میزان مشارکت مردم در انتخابات نشانگر رابطه حکومت و مردم و وضعیت اجتماعی آنان است (Kaviani Rad, 2008, 4).

بنابراین، مشارکت و سهم شدن در انتخابات، نوعی کنش اجتماعی محسوب می‌شود که یاری‌رسان نظام اجتماعی و سیاسی می‌باشد و این تنش با توجه به جنبه‌های ذهنی و عینی خود می‌تواند، هویت سیاسی کنش‌گران را برملا و هویدا سازد. و منجر به مشارکت سیاسی شده و ضریب مشروعیت و ثبات نظام سیاسی را بالا ببرد (Al-Taie, 2008, 158). در ارتباط با چگونگی جنبش‌های قومی، اندیشمندان به مواردی مانند ظهور آگاهی‌های اعضای قوم نسبت به وضعیت نامطلوب خود، احساس تبعیض قومی، احساس لزوم حفظ هویت و همبستگی قومی و اهمیت آن، اشاره می‌کنند. در کشور بزرگ ایران اقوام مختلف که عمدتاً در حاشیه‌ی نوارهای مرزی جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند و بعضاً در برخی مؤلفه‌ها با مرکز تفاوت‌هایی دارند که در صورت بی‌توجهی می‌تواند چالش‌هایی را فراهم آورد (Gomari, 2005, 13).

استان گلستان به تبعیت از ساختار کلی کشور دارای ساختار جمعیتی متکثر قومی می‌باشد اما گذشت زمان و تحولاتی همچون افزایش تحصیلات، افزایش آگاهی‌های سیاسی، هویت قومی، غلبان احساسات قومی باعث دگرگونی در روابط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... اقوام گردیده و نگرش‌هایی را در افراد با توجه به وابستگی قومی آن‌ها در زمینه دسترسی به منابع و امکانات مختلف توسعه سیاسی و اقتصادی، اجتماعی، ایجاد نموده است که بدون تردید در رابطه با توسعه مشارکت‌های مختلف آن‌ها به ویژه توسعه مشارکت سیاسی در امر انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا تأثیرگذار بوده است، چنان که حدود ۳۲/۱۷ درصد از جمعیت ۱۶۱۷۰۸۷ نفری استان را قومیت ترکمن ۴۴/۵۵ درصد را فارس و سیستانی ۱۵/۱۳ درصد و بلوچ ۴/۳۶ درصد مابقی را کرد و قزاق و ... تشکیل می‌دهند. هم‌چنین در شهرستان‌های مورد تحقیق و مورد نظر محقق، قومیت‌ها در شهرستان گنبد کاوس ۶۳٪ ترکمن و ۱۴/۶۱٪ فارس و ۱۱٪ سیستانی، در شهرستان کلالة ۷۵٪ ترکمن و ۴/۳٪ فارس و ۱۵/۳۹٪ سیستانی و در شهرستان آزادشهر ۱۰/۱۴٪ ترکمن و ۴۸٪ فارس و ۱۷/۴۵٪ سیستانی می‌باشند.

از نظر ورود نماینده قومیت‌ها به مجلس شورای اسلامی، شهرستان گنبد کاوس از ده دوره و یک میاندوره، ۸ دوره نماینده از قومیت ترکمن و ۳ دوره از قومیت فارس بوده و سیستانی نماینده‌ای نداشته است. شهرستان کلالة، از ده دوره یک میاندوره ۷ دوره قومیت فارس و ۴ دوره از قومیت ترکمن بوده است (نیاز به یادآوری است حوزه انتخابیه شهرستان کلالة به همراه شهرستان‌های گالیکش،

مینودشت و مراوه تپه می باشد). در شهرستان آزادشهر از ده دوره و یک میان دوره ۸ نماینده از قومیت فارس و دو نماینده از قومیت سیستانی و یک نماینده از قومیت ترکمن بوده است (حوزه انتخابیه آن به همراه حوزه شهرستان رامیان و فندرسک می باشد). با توجه به ترکیب جمعیتی و قومیتی نمایندگان آنان در مجلس شورای اسلامی، می توان گفت استان گلستان یکی از استان های کشور است که تنوع قومی در آن مشهود است و طبیعی و بدیهی است که از یک سو این اقوام مطالبات مشروعی در زمینه های توسعه سیاسی، اجتماعی و ... دارند و از سوی دیگر، چگونگی نگرش اقوام می تواند در جهت مشارکت مؤثر و حداکثری در سرنوشت اجتماعی به ویژه در رقابت های انتخابات نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نیز مسئولیت های مختلف در سطح استان نقش داشته باشد. بدون تردید توسعه مشارکت های سیاسی اقوام مختلف در جهت تحکیم نظام سیاسی کشور مؤثر خواهد بود. لذا این تحقیق در جهت پاسخ به این سؤال تدوین یافته است که چه رابطه ای بین مؤلفه های عینی و ذهنی قومیت با توسعه مشارکت سیاسی (به ویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی) در بین اقوام فارس، ترکمن و سیستانی در شرق استان گلستان وجود دارد؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی: بررسی و شناخت رابطه بین مولفه های عینی و ذهنی قومیت با توسعه مشارکت سیاسی (به ویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی) در بین اقوام فارس، ترکمن و سیستانی در شرق استان گلستان می باشد.

اهداف فرعی

مولفه های عینی

- ۱- بررسی و شناخت سطح تحصیلات اقوام با میزان توسعه مشارکت سیاسی.
- ۲- بررسی و شناخت عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت های سیاسی اقوام با میزان مشارکت سیاسی.
- ۳- بررسی و شناخت توجه به نظرات اقوام با میزان مشارکت سیاسی.

مولفه های ذهنی

- ۴- بررسی و شناخت سطح احساس تعلق قومی اقوام (قوم گرایی) با میزان توسعه مشارکت سیاسی.
- ۵- بررسی و شناخت احترام به نخبگان اقوام با میزان توسعه مشارکت سیاسی.
- ۶- بررسی و شناخت احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام با میزان توسعه مشارکت سیاسی.

مبانی نظری

رویکرد ذهنی-عینی

نسبت به رویکردهای عینی و ذهنی نمی توان بی توجه بود که در این میان دو راه در اساس متضاد برای درک انسان و سازمان اجتماعی او وجود دارد. یکی راه عینی است با تعریف رفتار انسانی به شیوه عینی، دو مجموعه از مفاهیم خواهیم داشت، یک مجموعه روابط اجتماعی را با اصطلاحاتی عینی تعریف میکند و مجموعه دیگر، این روابط را بر حسب نیروهای عینی تبیین می نماید. اشیاء عینی دراصل قابل اندازه گیری، شمارش و مشاهده است و میتوان بین آنها براساس رفتارهایشان، همبستگی ایجاد کرد. دیگری راه ذهنی است. ذهن گرایی در اساس به مفهومی کردن تجربه درونی می پردازد؛ تجربه هائی که می توان برای دیگران توصیف کرد، اما اثبات آنها غیرممکن است. همه نظریه های جامعه شناختی، رسمی یا غیررسمی باید بر دو قطبی بودن ذهنی - عینی حساب کنند (Roche, 2005, 20-25). در جامعه شناسی می توان به اثبات گرایان هم چون اگوست کنت و امیل دورکیم به عنوان عین گرا، آلفرد شوتس بلومر، کارفینگل، ماکس وبر، ... به عنوان ذهن گرا اشاره نمود. رویکرد ذهنی و عینی را در ارتباط با قوم و هویت قومی نیز می توانیم مورد توجه قرار دهیم. رویکرد مبتنی بر تمایزات ملموس و عینی (زبان، نژاد و پوشش) رویکرد فرهنگ گرا و هویت محور (ذهنی) (باورها، آیین ها و...) در دیدگاه مبادله باید گفت، این دیدگاه به طور رسمی در دهه ۱۹۵۰ با بررسی های هومنز مطرح شد. او قضیه های متفاوتی را پیشنهاد می کند که اساس نظریه مبادله را تشکیل می دهد (Reuters, 1994, 414). که این قضایای هومنز عبارت اند از قضیه موفقیت، انگیزه، ارزش، اراده گرائی، تایید اجتماعی و عقلانیت. با توجه به دیدگاه های هومنز و پیتربلاو و ریچارد امرسون

می توان سه سطح مبادله را از یکدیگر تفکیک کرد. سطح خرد و سطح میانه و سطح کلان که در این میان جورج هومنز به جنبه خرد و فردی فعالیت‌های اجتماعی و منافع حاصل از آن توجه دارد. پیتر بلاو به مطالعه نهادها و ساخت اجتماعی توجه کرده و از حالت فردگرایی، حرکت بسوی جمعی را فراراه دیدگاه خود قرار داده است و تلاش نموده است میانه و حد وسط را نگه داشته و همه امور اجتماعی را از دوربین مبادله در نظر داشته باشد. و ریچارد امرسون از این سطوح فراتر رفته و به دنبال طرح این نظریه به صورت (تحلیل شبکه ای) و در سطح کلان و گسترده می باشد. بنابراین می توان بر اساس جدول زیر سطوح مبادله را مطرح کرد.

| صاحب نظر | سطح | مصادق ها | سطوح مشارکت | قضایای هومنز |
|---------------|-------|----------------------------------|---|---|
| جورج هومنز | خرد | رابطه متقابل فردی و چهره به چهره | مشارکت سیاسی - در راستای سود و پاداش فردی | موفقیت |
| پیتر بلاو | میانه | نهادهای متوسط، خانوادگی | مشارکت سیاسی در راستای سود و پاداش گروهی و قومی | انگیزه سود |
| ریچارد امرسون | کلان | نهادها و سازمانهای کلان اجتماعی | مشارکت سیاسی در راستای سود و پاداش کشوری | اراده گرایی تأیید اجتماعی عقلانیت |

و در خصوص رویکرد گزینش عقلانی یا انتخاب حساب گرانه باید گفت: برای رای دادن و یا رای ندادن و انگیزه افراد در انتخابات یک حزب سیاسی از میان احزاب دیگر دو نوع رویکرد وجود دارد. رویکرد ۱- نئو کلاسیک «انتخاب عمومی» ۲- رویکرد مقابل، رویکرد «انتخاب منطقی ساختارگرا» رویکرد نئو کلاسیک «انتخاب عمومی» بر این پندار است که انگیزه ی احزاب برای رای دادن عمدتاً برگرفته از منافع شخصی اقتصادی آنان است. رویکرد دوم: «انتخاب منطقی ساختارگراست» که بر مفاهیم جامعه شناختی از قبیل ارزشها، هنجارها و ساختارها برای تبیین رفتار رای دهی تکیه می کند (Opfer, 2001, 390) در ارتباط با نظر رویکرد نخبگان، راش بیان می کند که «نظریه نخبگان» به طور ضمنی حاکی از آن است که گروه مسلط یا گروه نخبه از وجود خود آگاه است، در رفتارش منسجم و دارای احساس مشترکی از هدف است (Rush, 2004, 66).

رابرت دال در کتاب خود با عنوان تجزیه و تحلیل جدید سیاست به تحلیل توسعه مشارکت سیاسی پرداخته است. دال در تحقیق خود پس از آنکه نشان می دهد عموم مردم علاقه چندانی به توسعه مشارکت سیاسی ندارند، تلاش می کند دلایل آن را از یک دید روان شناختی بدست آورد و الگویی مبتنی بر رویکرد رفتار گرایی مطرح کرده است که این الگوی رابرت دال مبتنی بر مفروضات «گزینش عاقلانه» است. از نظر او در صورتی که شرایط جامعه شناختی و روان شناختی، بستر و زمینه لازم را جهت جواب گویی به شش گزاره کلی که در پیش روی فرد قرار دارد، آماده سازد می توان شاهد توسعه مشارکت سیاسی افراد آن جامعه بود. شش گزاره یا فرضیه دال عبارتند از:

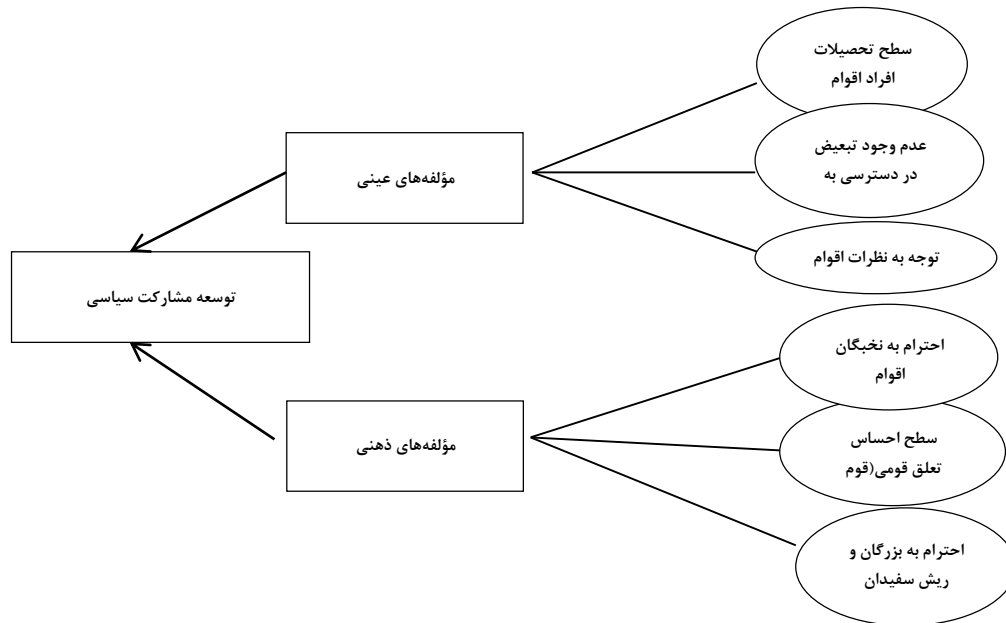
- ۱) فرد نتایج حاصل از مشارکت سیاسی را ارزشمند تلقی نماید.
 - ۲) فرد مشارکت خود را در انتخابات با اهمیت و ارزشمند تصور کند.
 - ۳) تصور کند که می تواند بر نتایج انتخابات تأثیر بگذارد.
 - ۴) فرد اطمینان یابد که در صورت مشارکت او نتایج رضایت بخشی بدست خواهد آمد.
 - ۵) فرد تصور کند که در امر مورد مشارکت از آگاهی و مهارت نسبتاً زیادی برخوردار است.
 - ۶) فرد تصور کند در صورت مشارکت سیاسی با موانع و پیامدهای ناخوشایند مواجه نخواهد شد (Dahl, 1986, 150).
- راش در ارتباط با مشارکت سیاسی دیدگاه و فرآیندی را مطرح کرده است که سلسله مراتبی در این فرآیند شکل می گیرد و از نقطه ای پایین آغاز می کند. اینکه فرد خیلی علاقمند به درگیر شدن با امورات سیاسی در درون جامعه خود نیست اما به تدریج که علاقمند می گردد از مرحله رأی دادن آغاز می کند و تا حدودی علاقه مندی و توجه به سیاست در او پدیدار می گردد و سپس در بحث های سیاسی که به طور غیررسمی طرح می شود شرکت می کند و ابتدا در سازمان های شبه سیاسی و سپس سیاسی، عضویت انفعالی و نه فعالی را آغاز می کند و مشارکت در اجتماعات عمومی و تحرکات و تظاهرات در پیش می گیرد و از حالت عضویت

انفعالی به عضویت فعال و پویا می‌رسد. بنابراین راش بر این اعتقاد است که «مشارکت سیاسی» درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیر شدن تا داشتن نظام رسمی است (Rush, 1999, 126). دیدگاه نوسازی سیاسی، دلالت بر گسترش نهادهای دموکراتیک و مشارکت مردمی در امور سیاسی دارد. هانتینگتون، نوسازی سیاسی را حاصل از افزایش تحرک اجتماعی و مشارکت مردم در امور سیاسی می‌داند. در چارچوبه نظریه وابستگی پل باران می‌گوید که این فعالیت استعمار است که باعث توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی لازم و ملزوم یکدیگرند. و اما نونل والرشتیان نظریه نظام جهانی را مطرح می‌کند که نظام جهانی، نظام واحدی است و هر جامعه بخشی از یک ساختار کلی را تشکیل می‌دهد (Azkia, 2009, 312-314) و اما در مورد ماهیت قومیت دو قلمرو اساسی مکاتب فکری و سیاسی شدن مساله ی قومیت با عنوان کهن گرایی و ابزارگرایی مطرح می‌شود. «در دیدگاه کهن گرایی قومیت یک مفهوم ذاتی و طبیعی و حتی لزوماً یک نوع اشتراک در باورهای ذهنی در دراز مدت به حساب می‌آید، ولی در دیدگاه نوگرایی یا ابزارگرایی نوعی وسیله شمرده می‌شود که برای دستیابی به هدف های دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این هدف ها عمدتاً هدف های سیاسی و اقتصادی هستند. بنابراین این رویکرد ابزارگرا، قومیت را مفهومی مدرن به شمار می‌آورد (Burton, 2002, 237). در مورد بسیج قومی نیز رهیافت های گوناگونی وجود دارد که به برخی از نظریات اصلی بسیج قومی اشاره می‌کنیم.

یکی از این نظریه ها رهیافت عینی و ذهنی است، ظهور جنبش های قومی به طور کلی مستلزم وجود برخی از شرایط ذهنی و عینی در جامعه هستند. از مهم ترین شرایط عینی برای ظهور جنبش های قومی محرومیت، نابرابری و تبعیض قومی در ابعاد چهارگانه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. که به عنوان زمینه نارضایتی وقتی با پیدایش سازمان و آگاهی در سطح یک قوم همراه گردد زمینه عمل سیاسی را در نزد اقوام فراهم می‌آورد (Hajiani, 1999, 75). راتچلید-شاپفلین میان عوامل عینی و ذهنی پیدایش جنبش های قومی تمایز قائل می‌شوند. آنها عوامل ذهنی را شامل متغیرهای روان شناختی، ایدئولوژیکی، سیاسی و فرهنگی دانسته؛ اما عوامل عینی را عمدتاً به عناصر اقتصادی و اجتماعی مربوط می‌دانند (Amir Ahmadi, 1996, 394). تد رابرت گر در نظریه محرومیت نسبی معتقد است: "محرومیت نسبی (اعم از فردی یا جمعی) نتیجه احساس وجود شکاف غیر قابل تحمل بین توقعات ارزشی و قابلیت های ارزشی است. بسته به شدت پابندی به ارزش مورد توقع، مشروع دانستن محرومیت، فرصت های بدیل ممنوع شده و دفعات محرومیت، احساس محرومیت نسبی، نارضایتی و خشم شکل می‌گیرد (Maghsoudi, 2002, 204). در خصوص نظریه رقابت بر سر منابع که از سوی جامعه شناسان و محققان علوم سیاسی نظیر گلنزر، موینها و فردریک بارت و نیز خانم سوزان اولزاک مطرح شده و معتقدند در جوامع چند قومی توزیع منابع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، عادلانه باشد و در غیر اینصورت رقابت بر سر منابع زمینه ساز سیاسی شدن قومیت می‌گردد (Goli Verdi, 2013, 37). نظریه انتخاب حساب گرانه (گزینه عقلانی)، نظریه ستیزه های قومی را محصول گزینه عقلانی از ناحیه گروه های قومی می‌داند چرا که گروه های قومی با محاسبه سودهای احتمالی و هزینه های قابل تصور و نهایی به این حرکت مبادرت می‌نمایند (Maghsoudi, 2002, 126-128). و اما نظریه دیگری که مطرح می‌شود «قدرت نخبگان» است این نظریه توسط پل آر. براس مطرح گردید است. و «نخبگان اشخاص و گروه هایی هستند که در نتیجه قدرتی که به دست می‌آورند و تأثیری که بر جای می‌گذارند یا به وسیله تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند و یا هیجانی که به وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه ای موثر واقع می‌شوند.» (Roche 2006, 121) گوستاولوبون جامعه شناس فرانسوی در کتاب "روانشناسی توده ها" بر این عقیده است که توده ها در دست رهبران هم چون موم شکل پذیرند، افکار شان توسط نخبگان ساخته و پرداخته می‌شود (Maghsoudi, 2009, 133).

در نظریه نوسازی و بسیج اجتماعی، مهم ترین نظریه پردازان کارل دوویچ و سایر اندیشمندان نظیر دانیل لرنر و اینکلز به بسط این نظریه ها پرداختند. بسیج اجتماعی دربرگیرنده تعداد انبوهی از انسان های عضو یک جامعه سنتی است که به سوی مدرن و نوگرا شدن تحول یافته اند (Eftekhari, 2000, 114). دوویچ فهرستی از چهار شاخص را فراهم می‌آورد که قادر است تا میزان بسیج و

نرخ توسعه سیاسی یک جامعه را مشخص نماید. این شاخص ها عبارتند از : داده های اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی و سیاسی (Badi,1998,34) رهیافت کثرت گرایی فرهنگی در آثار جوزف فورنیوال و ام. جی اسمیت، دولت را ابزار آشکار اعمال قدرت و سلطه سیاسی می دانند (Ahmadi,1993,162). در پلورالیسم قومی در عین حال که بر تنوع و تفاوت های قومی تاکید می شود بر وجود یک ساختار مشترک سیاسی اقتصادی که گروه های مختلف قومی را بهم پیوند دهد نیز توجه می شود (Salehi, Amiri,2010,92-93)



مدل ساختاری تحقیق

بررسی سوابق تجربی تحقیقات مرتبط با موضوع این مقاله نشان می دهد پژوهش هایی در این جهت انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

- نتایج تحقیقات صیدمرادی (۱۳۸۷) تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۲-۱۳۵۸)»، نشان می دهد که بین متغیر مستقل دینداری و متغیر مستقل ساخت اجتماعی با متغیر مشارکت افراد در انتخابات، رابطه ی معنادار وجود دارد.
- دوانلو (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی قومیت و مشارکت سیاسی در استان گلستان» نشان می دهد که بین انگیزه های قومی و مشارکت سیاسی رابطه معکوس معنی دار وجود دارد و بین تحقق مطالبات قومی و مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. در این تحقیق بین افراد فارس و ترکمن در میزان مشارکت سیاسی تفاوت معناداری وجود نداشت اما بین گروه قومی فارس و سیستانی و بلوچ تفاوت معنادار وجود داشته و گروه قومی فارس از گروه سیستانی و بلوچ تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی داشته اند.
- حسینی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «شناخت نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی شهروندان در استان گلستان» نتیجه گرفته است که از میان متغیرهای مورد نظر محقق، بین سن، وضعیت تأهل، محل سکونت، نوع شغل، قومیت، میزان آگاهی سیاسی و مصرف کالای فرهنگی با میزان مشارکت سیاسی رابطه ای معنادار وجود دارد.
- گنجی و همکاران (۱۳۸۴) تحقیقی تحت عنوان «تنوع فرهنگی، کثرت قومی و همبستگی اجتماعی در استان گلستان»، انجام داده اند و نتیجه گرفته اند که احساس محرومیت نسبی و تبعیض، باعث افزایش قوم مداری و هویت قومی و کاهش تمایل در وحدت و انسجام بین قومی می شود.

- هادیان (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل تأثیرگذار بر افزایش مشارکت سیاسی مردم شهرستان ساری و میاندروود در انتخابات دوره نهم مجلس شورای اسلامی» انجام داده است و نهایتاً نتیجه گرفته است که بین عوامل چهارگانه (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) و مشارکت مردم در انتخابات رابطه وجود دارد.
- حافظ نیا و پیردشتی (۱۳۸۱) در تحقیقی با موضوع «رفتار سیاسی قوم ترکمن» نتیجه می گیرند که: رفتار سیاسی قوم ترکمن واکنشی است نسبت به رفتارهای اقوام و حکومت های مختلف درباره آنها، یعنی هرگاه از سوی آنها مورد تهاجم، تعدی و بی مهری قرار گرفته است، اتحاد درونی قومی شکل گرفته و در فرصت مناسب رفتار واگرایی و گریز از مرکز تقویت شده و از سوئی تأکید بر مشترکاتی چون تاریخ، دین و سرزمین مشترک و همچنین توسعه اجتماعی و اقتصادی منطقه و رعایت عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی، عدم تبعیض در احراز سمت های کلیدی و شایسته سالاری موجب تقویت گرایش های ملی و مرکز گرائی قوم ترکمن می شود.
- محمد هیودی (۱۳۸۴) در تحقیقی با موضوع «نقش تمایلات قومی در مشارکت سیاسی» که در استان خوزستان در میان قوم عرب انجام گرفته، نشان می دهد که مشارکت قوم عرب نسبت به فارس در انتخابات در سطح ملی پایین بوده، اما در انتخاباتی که با انگیزه قومی صورت گرفته است، بالا می باشد.
- تایلور و جانسون (۱۹۶۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر جغرافیا بر رفتار و گرایش های سیاسی و چگونگی رابطه ی نوع معیشت با گرایش سیاسی پرداختند. این پژوهش نشان دهنده این امر بود که در بخش های جنوبی، حمایت عمومی از جمهوری خواهان کمتر است و ضعیف می باشد و تعداد ساکنان روستایی کشاورز هم کمتر که با افزایش تعداد آنها، آراء جمهوری خواهان نیز افزایش می یابد.

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق

بین مولفه های عینی و ذهنی قومیت با توسعه مشارکت سیاسی اقوام رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی تحقیق

۱. بین سطح تحصیلات افراد اقوام با میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
۲. بین عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت های سیاسی اقوام با میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
۳. بین توجه به نظرات اقوام با میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
۴. بین سطح احساس تعلق قومی اقوام (قوم گرایی) با میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
۵. بین احترام به نخبگان اقوام و میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
۶. بین احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام با میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از حیث هدف کاربردی، از حیث زمان مقطعی و از بُعد متغیرهای کلیدی، تحقیقی تلفیقی (کمی-کیفی) است که از بعد کمی از روش پیمایشی و در بعد کیفی از روش کتابخانه ای استفاده شده است. تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

جدول (۱): متغیرها و شاخص های مرتبط با مولفه عینی

| تعریف نظری | تعریف عملیاتی | |
|---|---|---|
| | شاخص ها | متغیرها |
| بهره مندی از توانایی خواندن و نوشتن و طی نمودن مراحل مختلف آموزش رسمی | (۱) بیسواد (۲) کمتر از دیپلم (۳) دیپلم (۴) کاردانی (۵) کارشناسی (۶) کارشناسی ارشد (۷) دکترا | سطح تحصیلات |
| | تا چه حد در زمینه واگذاری پست های اداری و سیاسی (کرسی مجلس، ادارت کل، فرمانداری ها، بخشداری ها، رؤسای ادارت و...) به قومیت شما توجه شده است؟ | علم وجود تبعیض در دسترسی مدیریت های سیاسی اقوام |
| | تا چه حد فرصت های مساوی در مقایسه با سایر اقوام در دسترسی به مدیریت های سیاسی (کرسی مجلس، ادارت کل، فرمانداری ها، بخشداری ها، رؤسای ادارت و...) در قومیت شما وجود دارد؟ | |
| تا چه حد از مدیریت های اداری و سیاسی واگذار شده به قومیت خود، رضایت دارید؟ | | |
| رفتار افتراقی و متفاوت در زمینه دستیابی به مدیریت های سیاسی در جامعه به دلیل قومیت آن ها و نادیده گرفتن شانس برابر برای اعضای یک گروه قومی و تفاوت گذاری در یک فرایند مقایسه مدیریت سیاسی و اجتماعی که در این میان هر فرد میزان دسترسی به مدیریت های سیاسی قوم خود را در مقایسه با اقوام دیگر ارزیابی می کند. | تا چه میزان درخواست ها و پیشنهادات شما در حوزه سیاسی، اداری و سازمانی از سوی نظام سیاسی (دولت)، مورد توجه و بررسی قرار گرفته است؟ | رشد به نظر آن اقوام |
| | تا چه میزان منزلت و کرامت قومی شما در رابطه با ارائه نظرات و پیشنهادات مورد توجه قرار گرفته است؟ | |
| نظام سیاسی یا دولت در حوزه سیاسی و اداری و سازمانی به درخواست ها و پیشنهادات و دیدگاه های اقوام احترام گذاشته و مورد توجه قرار دهد. به گونه ای که منزلت آنان محفوظ بماند. | | |

جدول (۲): متغیرها و شاخص های مرتبط با مولفه ذهنی

| تعریف نظری | تعریف عملیاتی | |
|--|--|---------------------------------|
| | شاخص ها | متغیرها |
| قوم گرایی به رفتار و قضاوت و اعتقادی گفته می شود که بر اساس آن فرد و گروه، فرهنگ و قومیت خود را بهتر و بالاتر از دیگران می داند و به هنگام ارزیابی یکی از جنبه های جامعه دیگر، فرهنگ خود را ملاک قرار می دهد و احساس تعلق قومی بسیار بالایی دارد و هر گونه شایستگی را مختص قوم خود و یا وابستگان به قوم خود می داند. | تا چه اندازه معتقدید ملاک هم قوم بودن کاندیدایی نمایندگی مجلس شورای اسلامی در انتخاب شما نقش دارد؟ | سطح احساس تعلق قومی (قوم گرایی) |
| | تا چه اندازه ترجیح می دهید که به کاندیدای نمایندگی مجلس شورای اسلامی قوم خود رأی دهید؟ | |
| | تا چه اندازه فکر می کنید تنها فرد شایسته برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی کاندیدای قوم شماست؟ | |
| | تا چه اندازه به فرهنگ و باورها و آداب و رسوم قوم خود پای بند هستید؟ | |
| نخبگان، اشخاص و گروه هایی هستند که در نتیجه قدرتی که به دست می آورند و تأثیری که بر جای می گذارند و یا به وسیله تصمیماتی که اتخاذ می نمایند و یا بوسیله ایده ها یا هیجانی که به وجود می آورند در کنش تاریخی جامعه ای مؤثر واقع می شوند (گی روشه، ۱۳۸۴: ۱۲۱) | تا چه میزان سفارش نخبگان قوم در انتخابات کاندیدای نمایندگی مجلس شورای اسلامی برای شما مهم است؟ | احترام به نخبگان اقوام |
| | تا چه حد سفارش و وساطت نخبگان قوم در ایجاد وحدت رویه در خصوص انتخابات برای شما مؤثر است؟ | |
| | تا چه حد سفارش نخبگان قوم می تواند باعث موفقیت کاندیدای خاصی شود؟ | |

| | | |
|---|---|------------------------------------|
| | شما تا چه میزان حاضر به تبعیت از نظر نخبگان قوم هستید؟ | |
| اشخاص و گروه هایی هستند که با توجه به آداب و رسوم و اعتقادات و سنت های اقوام در ذهنیت افراد قوم خود و در زمینه های مختلف جایگاه ویژه و قابل احترامی کسب کرده اند و در برخی موارد با توجه به جایگاهی که بدست آورده اند می توانند تصمیماتی بگیرند و با هیجانی که ایجاد می کنند در کنش های تاریخی، سیاسی و اجتماعی قوم خود مؤثر باشند. | تا چه میزان سفارش بزرگان و ریش سفیدان قوم در انتخاب کاندیدای نمایندگی مجلس شورای اسلامی برای شما مهم است؟ | انجام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام |
| | تا چه حد سفارش و وساطت بزرگان و ریش سفیدان قوم در ایجاد وحدت روبه در خصوص انتخابات برای شما مؤثر است؟ | |
| | تا چه حد سفارش بزرگان و ریش سفیدان قوم می تواند باعث موفقیت کاندیدی خاص شود؟ | |
| | شما تا چه میزان حاضر به تبعیت از نظر بزرگان و ریش سفیدان اقوام خود هستید؟ | |

جدول (۳): متغیر وابسته و شاخص های مرتبط با آن

| تعریف نظری | تعریف عملیاتی | |
|--|--|--------------------|
| | شاخص ها | متغیرها |
| مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست گذاری عمومی است (مصفا، ۱۳۷۵: ۹) | تا چه حد شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی برایتان اهمیت دارد؟ | توسعه مشارکت سیاسی |
| | تا چه حد علاقمند به شرکت در راهپیمایی و تظاهرات سیاسی و اجتماعی هستید؟ | |
| | تا چه حد علاقمند به جستجو و پیگیری اخبار سیاسی هستید؟ | |
| | تا چه میزان به فعالیت در تشکیلات سیاسی و احزاب سیاسی علاقمند هستید؟ | |

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری در این تحقیق کلیه افراد ۱۸ سال به بالای سه قوم فارس، ترکمن و سیستانی می باشد که در حوزه شرق استان گلستان زندگی می کنند و شامل ۱۱ شهرستان می باشد که با توجه به مطالعه اولیه در این حوزه و شدت و ضعف پراکنندگی قومیت در شهرستان های مختلف، این شهرستان ها به سه دسته تقسیم شدند (علی آباد، فاضل آباد، خان بین، رامیان) و (گنبد کاووس، مینودشت، گالیکش) و (کلاله، مراوه تپه، داشلی برون) و از میان سه دسته به صورت تصادفی سه شهرستان گنبد کاووس، آزادشهر و کلاله انتخاب گردیدند. با توجه به سرشماری جمعیت سال ۱۳۸۵، جمعیت سه شهرستان گنبد کاووس (۲۸۹۶۴۷ نفر) و آزادشهر (۸۹۴۷۷ نفر) و کلاله (۱۰۱۸۸۳ نفر) که جمعیت کل آن ها (۴۸۱۰۰۰ نفر) می باشد.

| شهرستان | جمعیت کل | جمعیت بالای ۱۸ سال | فارس (درصد) | ترکمن (درصد) | سیستانی یا زابلی (درصد) |
|------------|----------|--------------------|-------------|--------------|-------------------------|
| گنبد کاووس | ۲۸۹۶۴۷ | ۲۰۲۷۵۲/۹ | ۱۴/۶۱ | ۶۳/۷ | ۰/۱۱ |
| آزادشهر | ۸۹۴۷۷ | ۶۲۶۳۳/۹ | ۴۸/۶۰ | ۱۰/۲۲ | ۱۷/۸۵ |
| کلاله | ۱۰۱۸۸۳ | ۷۱۳۱۸ | ۴/۳ | ۷۵/۴۴ | ۱۵/۳۹ |
| جمع | ۴۸۱۰۰۰ | ۳۳۶۷۰۴ | - | - | - |

با توجه به شهرستان های مورد مطالعه در جامعه آماری، جمعیت افراد ۱۸ سال به بالا ۳۳۶۷۰۴ نفر می باشند که حجم نمونه این پژوهش از طریق استفاده از تعیین حجم نمونه از روی حجم جامعه گرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، (Hassanzadeh, 2004, 134) و از طریق

فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال ۵ درصد محاسبه شده است و تعداد ۳۸۵ نفر حجم نمونه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. طبق جدول ذیل. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است.

| شهرستان | تعداد کل نمونه آماری | | فارس | ترکمن | سیستانی (زابلی) | جمع |
|------------|----------------------|-------|------|-------|-----------------|-----|
| | تعداد | درصد | | | | |
| گنبد کاووس | ۲۳۱ | ۶۰/۲۱ | ۴۰ | ۱۶۱ | ۳۰ | ۲۳۱ |
| آزادشهر | ۷۲ | ۱۸/۶۰ | ۴۳ | ۱۱ | ۱۸ | ۷۲ |
| کلاله | ۸۱ | ۲۱/۱۸ | ۶ | ۶۳ | ۱۳ | ۸۲ |
| ----- | ۳۸۴ | ۱۰۰/۱ | ۸۹ | ۲۳۵ | ۶۱ | ۳۸۵ |

ابزار گردآوری اطلاعات و روایی و پایایی آن

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسش‌نامه محقق ساخته است. در این تحقیق به منظور تعیین روایی (اعتبار) ابزار گردآوری اطلاعات، از اعتبار صوری محتوایی استفاده شده که از طریق مراجعه به داوران و متخصصین اهل فن انجام گرفته تا به شاخص‌های درستی دست یافته شود. هم‌چنین جهت تعیین پایایی پرسشنامه‌ها، از روش ضریب آلفای کرونباخ آن ۸۳ می‌باشد.

تکنیک‌های توصیف و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از آماره توصیفی و آماره‌های استنباطی برای آزمون فرضیات استفاده شده است. از آزمون T و تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره و ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و تحلیل مسیر استفاده گردیده است.

نتایج تحلیلی

در این تحقیق در راستای پاسخ‌گویی به اهداف و سوالات مطرح شده شش فرضیه در نظر گرفتیم که در ذیل به بیان نتایج محاسبات و تبیین آنها می‌پردازیم:

تکنیک‌های توصیف و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از آماره توصیفی و آماره‌های استنباطی برای آزمون فرضیات استفاده شده است. از آزمون T و تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره و ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و تحلیل مسیر استفاده گردیده است.

جدول (۴): آماره توصیفی جنسیت، سن، تحصیلات، قومیت، شغل، محل سکونت، وضعیت تاهل

| درصد | فرآوانی | | | درصد | فرآوانی | | |
|------|---------|----------|------------|------|---------|------------------------|---------|
| ۴۲/۳ | ۱۶۳ | کارمند | شغل | ۷۰/۱ | ۱۱۵ | مرد | جنسیت |
| ۱۲/۵ | ۴۸ | کارگر | | ۲۹/۹ | ۲۷۰ | زن | |
| ۱۹ | ۷۳ | آزاد | | ۴۶/۲ | ۱۷۸ | ۱۸-۳۷ سال | سن |
| ۹/۱ | ۳۵ | دانشجو | | ۴۸/۳ | ۱۸۶ | ۳۷-۵۷ سال | |
| ۷ | ۲۷ | خانه‌دار | | ۵/۵ | ۲۱ | ۵۸ سال به بالا | |
| ۱۰/۱ | ۳۹ | بیکار | | ۱۸/۷ | ۷۲ | بیسواد و زیر دیپلم | تحصیلات |
| ۴۹/۴ | ۱۹۰ | شهر | محل سکونت | ۶۷/۳ | ۲۵۹ | دیپلم و کارشناسی ارشد | |
| ۵۰/۶ | ۱۹۵ | روستا | | ۱۴ | ۵۴ | کارشناسی ارشد و بالاتر | |
| ۱۷/۷ | ۶۸ | مجرد | وضعیت تاهل | ۲۳/۶ | ۹۱ | فارس | قومیت |
| ۸۰/۸ | ۳۱۱ | متاهل | | ۵۹/۷ | ۲۳۰ | ترکمن | |
| ۱/۵ | ۶ | مطلقه | | ۱۶/۶ | ۶۴ | سیستانی | |

جدول (۵): آماره های توصیفی توسعه مشارکت بر اساس جنس و قومیت افراد

| متغیر | جنس و قومیت | میانگین | میانه | انحراف معیار | واریانس |
|--------------------|-------------|---------|-------|--------------|---------|
| توسعه مشارکت سیاسی | زن | ۱۳/۸۰ | ۱۴ | ۳/۶۱ | ۱۳ |
| | مرد | ۱۲/۵۲ | ۱۳ | ۳/۲۸ | ۱۰/۷۷ |
| | فارس | ۱۳ | ۱۴ | ۴/۱۷ | ۱۷/۳۸ |
| | ترکمن | ۱۳/۴۷ | ۱۴ | ۳/۲۹ | ۱۰/۸۰ |
| | سیستانی | ۱۳/۸۱ | ۱۴ | ۳/۵۵ | ۱۰/۵۹ |
| | کل | ۱۳/۴۱ | ۱۴ | ۳/۵۶ | ۱۲/۶۵ |

۱. میانگین توسعه مشارکت سیاسی زنان اقوام مختلف با نمره کل میانگین ۱۳/۸۰ نسبت به توسعه مشارکت سیاسی مردان اقوام مختلف با نمره کل ۱۲/۵۲ کمتر است.
۲. توسعه مشارکت سیاسی در قوم سیستانی با میانگین کل ۱۳/۸۱ نسبت به قوم فارس و ترکمن بیشتر است و شاخص های انحراف معیار این متغیر در قوم ترکمن با مقدار کل ۳/۲۹ بیشتر است.
۳. شاخص های انحراف معیار نیز حکایت از انسجام بیشتر داده های توسعه مشارکت سیاسی قوم ترکمن با مقدار ۳/۲۹ نسبت به اقوام دیگر دارد و البته انسجام کمتر را داده های توسعه مشارکت سیاسی قوم فارس با مقدار ۴/۳۵ نسبت به اقوام دیگر دارد.

جدول (۶): آماره های توصیفی عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریتهای سیاسی اقوام

| متغیر | جنس و قومیت | میانگین | میانه | انحراف معیار | واریانس |
|---|-------------|---------|-------|--------------|---------|
| عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریتهای سیاسی اقوام | زن | ۸/۰۷ | ۸ | ۲/۹۲ | ۸/۵۳ |
| | مرد | ۸/۳۷ | ۸ | ۲/۷۲ | ۷/۴۱ |
| | فارس | ۸/۸۹ | ۹ | ۳/۰۸ | ۹/۵۰ |
| | ترکمن | ۷/۸۳ | ۸ | ۲/۷۴ | ۷/۴۹ |
| | سیستانی | ۸/۲۸ | ۸ | ۲/۸۳ | ۷/۹۸ |
| | کل | ۸/۱۶ | ۸ | ۲/۸۶ | ۸/۱۹ |

۱. میانگین عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت های سیاسی زنان اقوام مختلف با نمره کل میانگین ۸/۰۷ نسبت به عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت های سیاسی مردان اقوام مختلف با نمره کل ۸/۳۷ کمتر است.
۲. عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت های سیاسی در قوم فارس با میانگین کل ۸/۸۹ نسبت به قوم سیستانی و ترکمن بیشتر است و شاخص های انحراف معیار این متغیر در قوم ترکمن با مقدار کل ۲/۷۴ بیشتر است.

جدول (۷): آماره های توصیفی توجه به نظرات اقوام

| متغیر | جنس و قومیت | میانگین | میانه | انحراف معیار | واریانس |
|---------------------|-------------|---------|-------|--------------|---------|
| توجه به نظرات اقوام | زن | ۵/۰۵ | ۵ | ۲/۰۶ | ۴/۲۲ |
| | مرد | ۵/۲۳ | ۶ | ۱/۹۶ | ۳/۸۳ |
| | فارس | ۵/۵۳ | ۶ | ۲/۲۶ | ۵/۱۲ |
| | ترکمن | ۴/۸۰ | ۵ | ۱/۹۳ | ۳/۷۲ |
| | سیستانی | ۵/۵۸ | ۶ | ۱/۸۳ | ۳/۳۶ |
| | کل | ۵/۱۰ | ۵ | ۲/۰۳ | ۴/۱۰ |

۱. میانگین متغیر توجه به نظرات اقوام در زنان اقوام مختلف با نمره میانگین کل ۵/۰۵ نسبت به مردان اقوام مختلف با نمره کل ۵/۲۳ کمتر است.
۲. متغیر توجه به نظرات اقوام، قوم سیستانی با میانگین ۵/۵۸ نسبت به دیگر اقوام بیشتر و همین متغیر در قوم ترکمن با میانگین ۴/۸۰ کمتر است.

۳. شاخص های انحراف معیار نیز حکایت از انسجام بیشتر داده های توجه به نظرات اقوام در مردان ۱/۹۶ و در زنان ۲/۰۶ می باشد و انسجام متغیر توجه به نظرات اقوام در مردان بیشتر دیده می شود.

جدول شماره ۸: آماره های توصیفی توجه به نظرات اقوام

| متغیر | جنس و قومیت | میانگین | میانه | انحراف معیار | واریانس |
|-----------|-------------|---------|-------|--------------|---------|
| قوم گرایی | زن | ۱۴/۲۸ | ۱۴ | ۳/۷۲ | ۱۳/۸۱ |
| | مرد | ۱۴/۶۰ | ۱۵ | ۳/۶۶ | ۱۳/۴۲ |
| | فارس | ۱۳/۲۳ | ۱۴ | ۴/۴۱ | ۱۹/۴۹ |
| | ترکمن | ۱۴/۷۴ | ۱۵ | ۳/۱۴ | ۹/۸۶ |
| | سیستانی | ۱۴/۶۷ | ۱۶ | ۴/۱۵ | ۱۷/۲۴ |
| | کل | ۱۴/۳۷ | ۱۵ | ۳/۷۰ | ۱۳/۶۸ |

۱. میانگین متغیر قوم گرایی در زنان اقوام مختلف با نمره میانگین کل ۱۴/۲۸ نسبت به مردان اقوام مختلف با نمره کل ۱۴/۶۰ کمتر است.
۲. متغیر قوم گرایی قوم ترکمن با میانگین ۱۴/۷۴ نسبت به دیگر اقوام بیشتر و همین متغیر در قوم فارس با میانگین ۱۳/۲۳ کمتر است.
۳. شاخص های انحراف معیار نیز حکایت از انسجام بیشتر داده های متغیر قوم گرایی قوم ترکمن با مقدار ۳/۱۴ نسبت به اقوام دیگر دارد و البته انسجام کمتر داده های فوق در قوم فارس با مقدار ۴/۴۱ نسبت به اقوام دیگر دارد.

جدول (۹): آماره های توصیفی احترام به نخبگان اقوام

| متغیر | جنس و قومیت | میانگین | میانه | انحراف معیار | واریانس |
|------------------------|-------------|---------|-------|--------------|---------|
| احترام به نخبگان اقوام | زن | ۱۴/۱۴ | ۱۵ | ۳/۷۰ | ۱۳/۷۲ |
| | مرد | ۱۴/۰۴ | ۱۵ | ۳/۸۴ | ۱۴/۷۳ |
| | فارس | ۱۳/۲۲ | ۱۴ | ۴/۴۹ | ۲۰/۱۷ |
| | ترکمن | ۱۴/۵۹ | ۱۵ | ۳/۲۸ | ۱۰/۷۳ |
| | سیستانی | ۱۳/۶۶ | ۱۴ | ۳/۹۰ | ۱۵/۲۵ |
| | کل | ۱۴/۱۱ | ۱۵ | ۳/۷۴ | ۱۳/۹۹ |

۱. میانگین متغیر احترام به نخبگان اقوام در زنان اقوام مختلف با نمره میانگین کل ۱۴/۱۴ نسبت به مردان اقوام مختلف با نمره کل ۱۴/۰۴ بیشتر است.
۲. متغیر احترام به نخبگان اقوام، قوم ترکمن با میانگین ۱۴/۵۹ نسبت به دیگر اقوام بیشتر و همین متغیر در قوم فارس با میانگین ۱۳/۲۲ کمتر است.
۳. شاخص های انحراف معیار نیز حکایت از انسجام بیشتر داده های متغیر احترام به نخبگان اقوام قوم ترکمن با مقدار ۳/۲۸ نسبت به زنان اقوام دیگر دارد و البته انسجام کمتر داده های فوق در قوم فارس با مقدار ۴/۴۹ نسبت به اقوام دیگر دارد.

جدول (۱۰): آماره های توصیفی احترام به بزرگان و ریش سفیدان

| متغیر | جنس و قومیت | میانگین | میانه | انحراف معیار | واریانس |
|-------------------------------------|-------------|---------|-------|--------------|---------|
| احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام | زن | ۱۳/۵۳ | ۱۴ | ۴/۱۳ | ۱۷/۱۰ |
| | مرد | ۱۳/۸۱ | ۱۴ | ۴/۱۲ | ۱۷ |
| | فارس | ۱۲/۴۴ | ۱۴ | ۴/۸۹ | ۲۳/۸۹ |
| | ترکمن | ۱۴/۰۳ | ۱۴ | ۳/۶۳ | ۱۳/۱۷ |
| | سیستانی | ۱۳/۷۷ | ۱۵ | ۴/۳۸ | ۱۹/۲۰ |
| | کل | ۱۳/۶۱ | ۱۴ | ۴/۱۳ | ۱۷/۰۴ |

۱. میانگین متغیر احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام در زنان اقوام مختلف با نمره میانگین ۱۳/۵۳ نسبت به مردان اقوام مختلف با نمره کل ۱۳/۸۱ کمتر است.
۲. متغیر احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام، قوم ترکمن با میانگین ۱۴/۰۳ نسبت به دیگر اقوام بیشتر و همین متغیر در قوم فارس با میانگین ۱۲/۴۴ کمتر است.
۳. شاخص های انحراف معیار نیز حکایت از انسجام بیشتر داده های متغیر احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام، قوم ترکمن با مقدار ۳/۶۳ نسبت به اقوام دیگر دارد و البته انسجام کمتر داده های فوق در قوم فارس با مقدار ۴/۸۹ نسبت به اقوام دیگر دارد.

جدول (۱۱): ماتریس ضرایب همبستگی (پیرسون) متغیرهای توسعه مشارکت، تبعیض، توجه به نظرات، قوم گرایی، احترام به نخبگان و احترام به

ریش سفیدان

| ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ | |
|---|--------|--------|--------|--------|--|
| | | | | ۱ | توسعه مشارکت سیاسی |
| | | | ۱ | ۰/۳۲** | عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت های سیاسی اقوام |
| | | ۱ | ۰/۵۷** | ۰/۳۴** | توجه به نظرات اقوام |
| | ۱ | ۰/۲۰** | ۰/۱۴** | ۰/۲۲** | قوم گرایی |
| ۱ | ۰/۵۲** | ۰/۲۱** | ۰/۱۳** | ۰/۳۶** | احترام به نخبگان اقوام |
| ۰/۴۷** | ۰/۵۲** | ۰/۳۱** | ۰/۱۲* | ۰/۲۴** | احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام |
| ** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed). | | | | | |
| * . Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed). | | | | | |

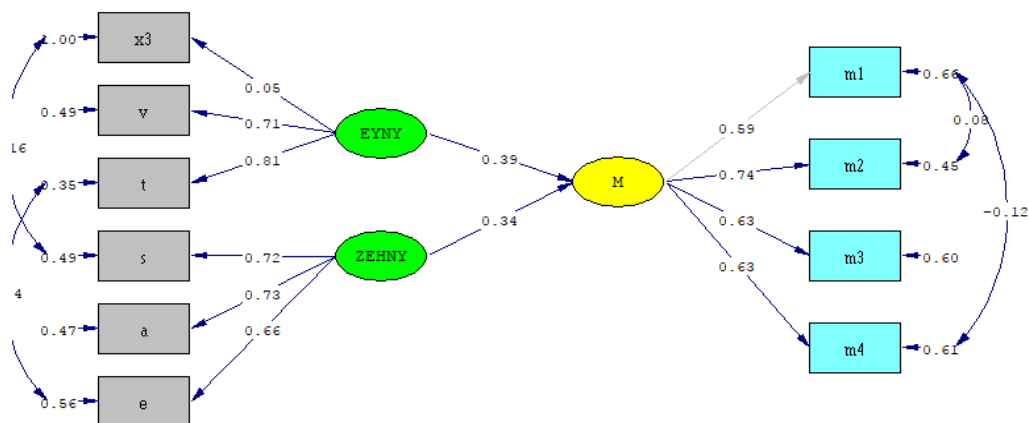
جدول (۱۲): ماتریس ضرایب همبستگی (اسپیرمن) متغیرهای مشارکت، تبعیض، توجه به نظرات، قوم گرایی، احترام به نخبگان و احترام به ریش

سفیدان و تحصیلات افراد

| ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ | |
|---|--------|---------|--------|--------|--------|--|
| | | | | | ۱ | توسعه مشارکت سیاسی |
| | | | | ۱ | ۰/۲۴** | عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت های سیاسی اقوام |
| | | | ۱ | ۰/۵۵** | ۰/۲۸** | توجه به نظرات اقوام |
| | | ۱ | ۰/۱۶** | ۰/۰۹ | ۰/۱۳** | قوم گرایی |
| | ۱ | ۰/۴۳** | ۰/۱۷** | ۰/۰۷ | ۰/۳۰** | احترام به نخبگان اقوام |
| ۱ | ۰/۳۹** | ۰/۴۴** | ۰/۲۹** | ۰/۱۰ | ۰/۱۹** | احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام |
| -۰/۰۶ | ۰/۰۲ | -۰/۱۷** | ۰/۰۰ | ۰/۰۴ | ۰/۲۰** | تحصیلات |
| ** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed). | | | | | | |
| * . Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed). | | | | | | |

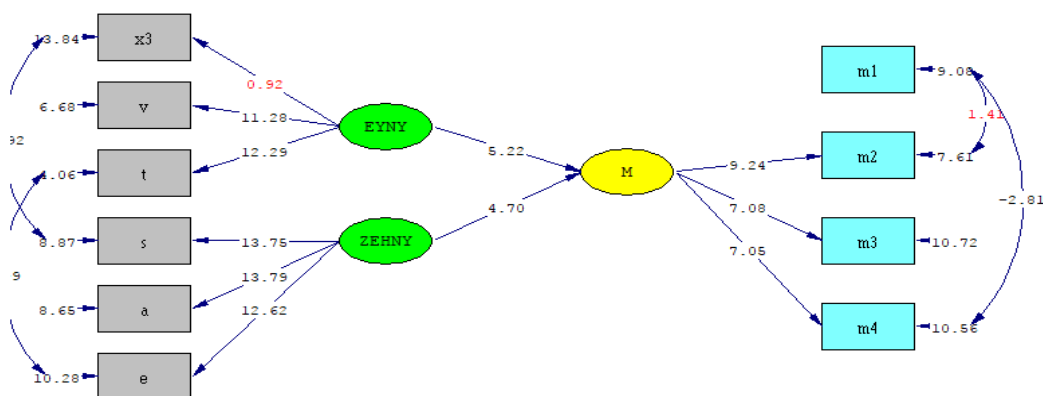
جدول (۱۳): راهنمای علائم مدل ها

| | |
|--|-------|
| توسعه مشارکت سیاسی | M |
| عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت های سیاسی اقوام | V |
| توجه به نظرات اقوام | T |
| قوم گرایی | S |
| احترام به نخبگان اقوام | A |
| احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام | E |
| مولفه عینی | EYNY |
| مولفه ذهنی | ZEHNY |



Chi-Square=64.71, df=28, P-value=0.00010, RMSEA=0.058

شکل (۱): تدوین شده (دیاگرام مسیر) با ضرایب استاندارد



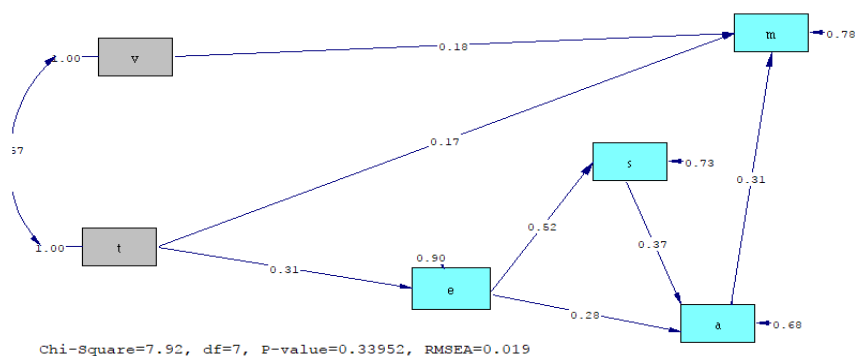
Chi-Square=64.71, df=28, P-value=0.00010, RMSEA=0.058

شکل (۲): تدوین شده (دیاگرام مسیر) با ضرایب معناداری (t)

جدول (۱۴): شاخص‌های برازش مدل

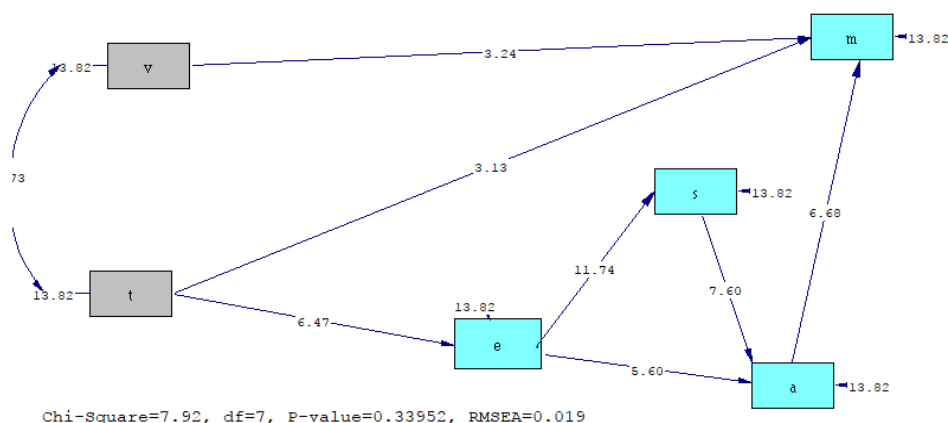
| کای اسکور | درجه آزادی | نسبت کای اسکور به درجه آزادی | CFI | GFI | AGFI | RMSEA |
|-----------|------------|------------------------------|----------|-----------|-----------|-------------|
| ۶۴/۷۱ | ۲۸ | ۲/۳۱ < ۳ | ۱ > ۰/۹۷ | ۰/۹۷ > ۹۰ | ۰/۹۴ > ۹۰ | ۰/۰۵ < ۰/۰۶ |

با توجه به این که $(\chi^2_{df=7} = 64.71)$ می‌باشد فرضیه صفر مبنی بر تساوی دو ماتریس کوواریانس مشاهده شده و تخمین زده شده تأیید می‌شود که نشان دهنده انطباق کامل مدل اصلاح شده با مشاهدات و در اصطلاح نیکویی برازش مدل می‌باشد. بر اساس شاخص‌های معتبر: نسبت کای اسکور به درجه آزادی، CFI، GFI، AGFI، RMSEA نیز مدل تأیید می‌شود.



Chi-Square=7.92, df=7, P-value=0.33952, RMSEA=0.019

شکل (۳): اصلاح شده (دیاگرام مسیر) با ضرایب استاندارد



شکل (۴): اصلاح شده (دیاگرام مسیر) با ضرایب معناداری

جدول (۱۵): شاخصهای برازش مدل

| کای اسکوئر | درجه آزادی | نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی | CFI | GFI | AGFI | RMSEA |
|------------|------------|-------------------------------|----------|-------------|-----------|--------------|
| ۷/۹۲ | ۷ | ۳ < ۱/۱۳ | ۱ > ۰/۹۰ | ۰/۹۹ > ۰/۹۰ | ۰/۹۸ > ۹۰ | ۰/۰۱ < ۰/۰۶۰ |

با توجه به اینکه $P=0/33 > 0/05$ و $x^2_{df=7}=7/92$ می باشد فرضیه صفر مبنی بر تساوی دو ماتریس کوواریانس مشاهده شده و تخمین زده شده تایید می شود که نشان دهنده انطباق کامل مدل اصلاح شده با مشاهدات و در اصطلاح نیکویی برازش مدل می باشد. بر اساس شاخص های معتبر: نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی CFI, GFI, AGFI, RMSEA نیز مدل تایید می شود.

جدول (۱۶): اثرات مستقیم و غیر مستقیم و کل استاندارد

| اثر کل | متغیرهای واسطه | اثر غیر مستقیم | اثر مستقیم | متغیرها |
|--------|---|----------------|------------|---|
| ۰/۱۸** | ----- | ۰/۰۰۰ | ۰/۱۸** | توسعه مشارکت سیاسی-عدم وجود تبعیض (VM) |
| ۰/۲۱** | احترام به نخبگان-احترام به ریش سفیدان-قوم گرایی | ۰/۰۱۸ + ۰/۰۲۶ | ۰/۱۷** | توسعه مشارکت سیاسی-توجه به نظرات اقوام (TM) |
| ۰/۳۱** | ----- | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۱** | توسعه مشارکت سیاسی-احترام به نخبگان (AM) |
| ۰/۳۱** | ----- | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۱** | توجه نظرات اقوام-احترام به بزرگان و ریش سفیدان (TE) |
| ۰/۵۲** | ----- | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۲** | احترام به بزرگان و ریش سفیدان-قوم گرایی (ES) |
| ۰/۴۷** | قوم گرایی | ۰/۱۹ | ۰/۲۸** | احترام ریش سفیدان-احترام به نخبگان (EA) |
| ۰/۳۷** | ----- | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۷** | قوم گرایی-احترام به بزرگان و ریش سفیدان (SA) |
| ۰/۱۱** | احترام به نخبگان | ۰/۱۱ | ۰/۰۰۰ | توسعه مشارکت سیاسی-قوم گرایی (SM) |
| ۰/۱۴** | قوم گرایی-احترام به نخبگان | ۰/۱۴ | ۰/۰۰۰ | توسعه مشارکت سیاسی-احترام به ریش سفیدان (EM) |

فرضیه اصلی: بین مؤلفه های عینی و ذهنی قومیت رابطه معنا دار وجود دارد.

ضریب مسیر استاندارد مؤلفه عینی منتهی به توسعه مشارکت سیاسی ۰/۳۹ است که نشان می دهد با هر واحد افزایش در مؤلفه مکنون عینی با معرف های عدم وجود تبعیض و توجه به نظرات اقوام به میزان ۰/۳۹ بر توسعه مشارکت سیاسی اقوام افزوده می شود و بر عکس. ضریب مسیر استاندارد مؤلفه ذهنی منتهی به توسعه مشارکت سیاسی ۰/۳۴ است که نشان می دهد با هر واحد افزایش در مؤلفه مکنون ذهنی با معرف های قوم گرایی، احترام به نخبگان و احترام به ریش سفیدان به میزان ۰/۳۴ بر توسعه مشارکت سیاسی اقوام افزوده می شود و برعکس. اما در تبیین فرضیه اصلی باید گفت: برای درک انسان و سازمان اجتماعی او دو راه عینی و ذهنی وجود دارد. مفاهیم یک مجموعه رفتار اجتماعی را با اصطلاح عینی که قابل شمارش و مشاهده و اندازه گیری هستند مطرح می نمایند و برخی دیگر ذهنی هستند که تجربه هایی می باشند که اثبات آنها مشکل است. این مفاهیم در توسعه مشارکت های سیاسی و قومیت ها نیز قابل طرح میباشند و در فرضیه ی اصلی این پژوهش مابین این دو مولفه ی عینی و ذهنی رابطه ی معنا دار وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین سطح تحصیلات افراد اقوام با میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

با توجه به مدل های ارائه شده با ضرایب استاندارد و ضرایب معناداری T و جداول (۱-۴) و (۱۶-۴) و (۱۷-۴) و (۱۸-۴) مشاهده می شود، مولفه عینی، بار عاملی (همبستگی) معنادار $t = 0/92 < 1/96$ با معرف سطح تحصیلات افراد ندارد؛ بنابراین توسط مدل مذکور قابل بررسی نیست به همین دلیل با استفاده از ماتریس ضریب همبستگی (اسپیرمن) جدول (۱۵-۴) و (۱۸-۴) به بررسی این فرضیه پرداخته شده است. که بین میزان تحصیلات و توسعه مشارکت سیاسی اقوام همبستگی مثبت و معناداری $Pvalue < 1\%$ به میزان ۲۰٪ وجود دارد. براین اساس می توان گفت با افزایش میزان تحصیلات اقوام، شاهد افزایش مشارکت سیاسی آنها خواهیم بود و برعکس. همبستگی منفی معنادار $Pvalue < 1\%$ به میزان ۱۷٪ وجود دارد که بیانگر آن است که با افزایش تحصیلات افراد شاهد کاهش قوم گرایی آنها خواهیم بود.

در این خصوص می توان گفت که به نظر این محقق، تحصیلات، باعث آگاهی و شناخت بیشتر و تقویت روحیه ی خودباوری و زمینه ساز افزایش توسعه مشارکت سیاسی می گردد، اما در ارتباط با همبستگی منفی معنادار تحصیلات و قوم گرایی می توان گفت، تحصیلات تاثیر دوسویه بر توسعه مشارکت سیاسی دارد. از یک سو احساس خودبرتربینی را تقویت کرده و باعث افزایش فاصله ی فرد با قوم خود می گردد و از سوی دیگر برخی از تحصیل کردگان نخبه ارتباط خود را با قومیت خود بیشتر کرده و آنان را در راستای اهداف خود هدایت میکنند و بعنوان نخبگان تحصیل کرده مطرح می شوند.

فرضیه فرعی دوم: بین عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت های سیاسی اقوام با میزان توسعه مشارکت سیاسی، رابطه معنادار وجود دارد.

با توجه به جدول (۱۴-۴) و (۱۵-۴) و ماتریس های ضرایب همبستگی (پیرسون ۰/۳۲) و (اسپیرمن ۰/۲۴) همبستگی مثبت معنادار بین دو متغیر فوق وجود دارد. همچنین با توجه به جداول (۱۶-۴) و (۱۷-۴) و (۱۸-۴) و (۱۹-۴) و (۲۰-۴) و مدل ارائه شده (دیاگرام مسیر) با ضرایب استاندارد و ضرایب معناداری T، ضریب مسیر عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت های سیاسی اقوام منتهی به مشارکت ۰/۱۸ و معنادار $t > 2.58$ می باشد. بنابراین می توان گفت با هر واحد افزایش در عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت های سیاسی اقوام، شاهد ۱۸٪ افزایش در توسعه مشارکت سیاسی اقوام خواهیم بود و این اثرگذاری مستقیم می باشد.

در واقع در خصوص متغیر عدم وجود تبعیض در دسترس به مدیریت سیاسی اقوام، هرچه عدم وجود تبعیض یا نبود وجود تبعیض بیشتر باشد و برابری حاکم باشد، توسعه مشارکت سیاسی، بیشتر خواهد بود. با توجه آماره های توصیفی، حاکی از این می باشد که افراد نمونه ی مورد مطالعه در قوم فارس نسبت به قوم ترکمن بیشتر و در قوم ترکمن نسبت به قوم سیستانی بیشتر است. یعنی وجود تبعیض در قوم ترکمن بیشتر از همه و سپس قوم سیستانی وجود دارد و در قوم فارس نسبتاً کمتر است. موضوع عدم وجود تبعیض و وجود تبعیض که تفاوت گذاری آشکاری در بین افراد و اقوام محسوب می شود، در امر توسعه مشارکت سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار است.

فرضیه فرعی سوم: بین توجه به نظرات اقوام با میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

با توجه به جداول (۱۴-۴) و (۱۵-۴) و ماتریس ضرایب همبستگی (پیرسون ۰/۳۴) و (اسپیرمن ۰/۲۸) همبستگی مثبت معنادار بین دو متغیر فوق وجود دارد. هم چنین با توجه به جداول (۱۶-۴) و (۱۸-۴) و (۱۷-۴) و (۱۹-۴) و (۲۰-۴) و مدل ارائه شده (دیاگرام مسیر) با ضرایب استاندارد و ضرایب معنادار T، ضریب مسیر استاندارد مستقیم توجه به نظرات اقوام منتهی به توسعه مشارکت سیاسی ۰/۱۷ و ضرایب مسیر غیر مستقیم توجه به نظرات اقوام منتهی به توسعه مشارکت سیاسی از طریق متغیرهای مداخله گر احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام، احترام به نخبگان اقوام و قوم گرایی ۴٪ می باشد. بنابراین ضریب مسیر استاندارد کل ۰/۲۱ بوده و می توان انتظار داشت با هر واحد افزایشی در متغیر توجه به نظرات اقوام شاهد ۲۱٪ افزایش در توسعه مشارکت سیاسی اقوام خواهیم بود و این اثرگذاری مستقیم و غیر مستقیم می باشد.

توجه به آماره های توصیفی، حاکی از این می باشد که افراد نمونه ی مورد مطالعه متغیر توجه به نظرات اقوام، در قوم سیستانی نسبت به قوم فارس و قوم ترکمن بیشتر است. در واقع توجه به نظرات قوم سیستانی با تفاوتی ناچیز با قوم فارس، بیشتر بود. در نمونه آماری، اعتقاد پاسخ گویان ما این بوده است که توجه به نظرات قوم ترکمن خیلی کمتر بوده است. در واقع امر توجه به نظرات در تعاملات بین فردی و گروهی و بخصوص در چارچوبه های قومیت ها اهمیت دارد و در خصوص قومیت ها نیز بدین گونه است که توجه به نظرات اقوام، زمینه ساز حضور فعالانه آنان با سیستم حاکم در زمینه های مختلف از جمله توسعه مشارکت سیاسی و حضور در صحنه های مختلف انتخاباتی خواهد شد و این امر می تواند روند توسعه مشارکت سیاسی را افزایش دهد و مشارکت فعال را جایگزین مشارکت انفعالی و خنثی نماید؛ زیرا انتخابات ترغیب عقلانی سازی رفتار جمعی است و کمک در امر فایق آمدن نسبت به بی تفاوتی سیاسی است. همچنین در نظریه مشارکت سیاسی رابرت دال و نظریه مبادله و در قضایای هومنز و پیتز بلاو نیز اشاراتی در تایید فرضیه ی فرعی سوم شده است. این موارد حکایت از مهم بودن توجه به نظرات اقوام مختلف در جوامع گوناگون دارد و با توجه به نتایج حاصله از تحقیق انجام گرفته، بیانگر آن است که علاوه بر توجه به نظرات اقوام متغیرهای قومیت، احترام به بزرگان و ریش سفیدان و احترام به نخبگان اقوام که تأثیر غیرمستقیم در توسعه مشارکت سیاسی دارند، مورد توجه قرار می گیرد.

فرضیه فرعی چهارم: بین سطح احساس تعلق قومی اقوام (قوم گرایی) با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به جداول (۴-۱۴) و (۴-۱۵) و ماتریس ضرایب همبستگی (پیرسون ۰/۲۲) و (اسپیرمن ۰/۱۳) همبستگی مثبت معنادار بین دو متغیر فوق وجود دارد. هم چنین با توجه به جداول (۴-۱۶) و (۴-۱۷) و (۴-۱۸) و (۴-۱۹) و (۴-۲۰) و مدل ارائه شده (دیاگرام مسیر) با ضرایب استاندارد و ضرایب معناداری T، ضریب مسیر استاندارد مستقیم قوم گرایی منتهی به توسعه مشارکت سیاسی وجود ندارد ولی ضریب مسیر استاندارد قوم گرایی از طریق متغیر واسطه گر احترام به نخبگان اقوام، با توسعه مشارکت سیاسی ۰/۱۱ می باشد. بنابراین هر چند ظاهراً بین دو متغیر رابطه مستقیم وجود ندارد ولی فرضیه فوق با واسطه گری متغیر احترام به نخبگان اقوام مورد تایید قرار می گیرد. با هر واحد افزایش در قوم گرایی، شاهد ۰/۱۱ افزایش در توسعه مشارکت سیاسی اقوام خواهیم بود.

توجه آماره های توصیفی، حاکی از این می باشد که میانگین افراد نمونه مورد مطالعه متغیر سطح احساس تعلق قومی اقوام (قوم گرایی) در قوم ترکمن و پس از آن قوم سیستانی و در نهایت قوم فارس قرار می گیرد و انسجام داده های متغیر فوق نیز مؤید این امر است. به نظر می رسد تحولات و دگرگونی های مختلف جامعه و رشد آگاهی های جمعی، باعث شده است که چنین تصویری به وجود آید که تنها با توسعه مشارکت سیاسی به اهداف قومی نمی رسند بلکه باید فرد یا افراد متفاوت دیگری از قومیت خود که آنها را به عنوان مدافع حقوق خود با عنوان نخبه های قومی می شناسند، نقش واسطه را ایفا نماید و حضور نخبگان می تواند در جهت توسعه مشارکت سیاسی دارای اهمیت باشد. هم چنین عامل تحصیلات نیز باعث می شود تا قوم گرایی را تحت تأثیر خود قرار دهد و همین امر باعث جلب افکار و اندیشه های افراد از طریق تحصیل کردگان و نخبگان در جهت گرایش به مشارکت سیاسی و توسعه آن می شود و تا حدودی نقش قوم گرایی صرف را کم رنگ تر می کند. بر این اساس می توانیم بگوییم، قوم گرایی در خصوص توسعه مشارکت سیاسی به ویژه مردان، تحت تأثیر نخبگان و تحصیل کردگان قومی قرار می گیرند.

فرضیه پنجم: بین احترام به نخبگان اقوام با میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به جداول (۴-۱۴) و (۴-۱۵) و ماتریس ضرایب همبستگی (پیرسون ۰/۳۶) و (اسپیرمن ۰/۳۰) همبستگی مثبت معنادار بین دو متغیر فوق وجود دارد. و همچنین با توجه به جداول (۴-۱۶) و (۴-۱۷) و (۴-۱۸) و (۴-۱۹) و (۴-۲۰) و مدل ارائه شده (دیاگرام مسیر) با ضرایب استاندارد و ضرایب معناداری T ضریب مسیر استاندارد مستقیم احترام به نخبگان اقوام منتهی به توسعه مشارکت سیاسی ۰/۳۱ می باشد. بنابراین می توان انتظار داشت با هر واحد افزایش در متغیر احترام به نخبگان اقوام شاهد ۰/۳۱ افزایش در مشارکت سیاسی اقوام خواهیم بود.

با توجه آماره‌های توصیفی، حاکی از این می‌باشد که میانگین افراد نمونه‌ی مورد مطالعه در قوم ترکمن نسبت به قوم سیستانی بیشتر و قوم سیستانی نسبت به قوم فارس بیشتر می‌باشد و انسجام داده‌ها نیز مؤید این امر است. احترام به نخبگان و اثربخشی نخبگان نسبت به توسعه مشارکت سیاسی در قوم ترکمن و قوم سیستانی زیاد و در قوم فارس کمتر است در حالی که نسبت به متغیر احترام به بزرگان و ریش سفیدان به ویژه در این دو قوم، نمی‌توان بی‌تفاوت بود.

نقش نخبگان در تحولات سیاسی و اجتماعی و هدایت مردم بسیار تعیین کننده است (Maghsoudi, 2009, 133) نخبگان تلاش می‌کنند موارد کوچک از تبعیض‌ها و یا بخش‌های خاصی از نابرابری و بی‌عدالتی را در میان جامعه تصویری از تبعیضات و نابرابری‌های کلی مطرح نمایند و بدین ترتیب بدین ترتیب می‌توانند نقش عمده‌ای در توسعه مشارکت سیاسی ایفا نمایند.

فرضیه ششم: بین احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام با میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد

با توجه به (۴-۱۴) و (۴-۱۵) و ماتریس ضریب همبستگی (پیرسون) ۰/۲۴ و (اسپیرمن) ۰/۲۰ همبستگی مثبت معنادار بین دو متغیر فوق وجود دارد. هم چنین با توجه به جداول و (۴-۱۷) و (۴-۱۸) و (۴-۹) و (۴-۲۰) و مدل ارائه شده (دی‌گرام مسیر) با ضرایب استاندارد و ضرایب معناداری T، ضریب مسیر استاندارد مستقیم احترام به بزرگان و ریش سفیدان منتهی به توسعه مشارکت سیاسی وجود ندارد ولی ضریب مسیر استاندارد، احترام به بزرگان و ریش سفیدان از طریق متغیر واسطه‌گر احترام به نخبگان اقوام و قوم‌گرایی، با توسعه مشارکت سیاسی ۰/۱۴ می‌باشد. بنابراین هر چند ظاهراً بین دو متغیر رابطه مستقیم وجود دارد ولی فرضیه فوق با واسطه‌گری متغیر احترام به نخبگان اقوام و قوم‌گرایی مورد تأیید قرار می‌گیرد. با هر واحد افزایش در احترام به نخبگان اقوام شاهد ۰/۱۴ افزایش در توسعه مشارکت سیاسی اقوام خواهیم بود. توجه به آماره‌های توصیفی، حاکی از این می‌باشد که میانگین افراد نمونه‌ی مورد مطالعه متغیر فوق نیز مؤید این امر است. یکی از ارزش‌های مهم در همه‌ی اقوام، احترام به بزرگان و ریش سفیدان بوده است و اغلب بزرگان و ریش سفیدان نقش نصیحت‌گویی و داوری و حل اختلافات درونی و بیرونی قومی و نوع ارتباط با سایر اقوام و سامان‌دهی امور زندگی قومی را بر عهده داشته‌اند. اما آنچه در این جا مطرح است، این است که متغیر احترام به بزرگان و ریش سفیدان با توسعه مشارکت سیاسی به طور مستقیم رابطه ندارد، بلکه از طریق واسطه‌گری دو متغیر احترام به نخبگان و قوم‌گرایی، تأیید شده است که این امر هم در گروه زنان و هم مردان و هم قومیت‌ها، نتیجه واحدی داشته است. آنچه در ارتباط با دو قوم ترکمن و سیستانی مشهود است، هنوز هم می‌توان ادعا کرد که ریش سفیدان و آخوندها (علمای مذهبی) در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای روستا و شهر، عامل تعیین کننده در شکست یا پیروزی یک کاندیدا محسوب می‌شوند. با توجه به نظر (رالف دارندورف) هفت نوع الیت یا نخبه را مطرح می‌کند که (روحانیون) در آن جای دارند و یا از الیت فکری سخن به میان می‌آید و یا محمود سریع القلم در کتاب (عقل و توسعه یافتگی) از دو دسته نخبگان فکری و سیاسی یاد می‌کند (۱۳۷۲: ۶۹).

بزرگان و ریش سفیدان قوم همچنان ایفاگر نقش خود هستند و قوم‌گرایی به نوعی وابستگی به بزرگان و ریش سفیدان دارد، زیرا بزرگان و ریش سفیدان بخش جدایی ناپذیر از قومیت‌ها محسوب می‌شوند و موجب تقویت آنها هستند و هر جا از قوم و قومیت سخن به میان می‌آید در کنار بزرگان و ریش سفیدان نخبگان مطرح می‌شوند.

ارایه پیشنهادها

پیشنهادها بر اساس یافته‌ها

- با توجه به یافته‌های تحقیق مبنی بر این که بین میزان تحصیلات با توسعه مشارکت سیاسی اقوام، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد، لذا پیشنهاد می‌گردد که مسئولین و برنامه‌ریزان نسبت به توسعه و تقویت تحصیلات اقدام نمایند زیرا تحصیلات باعث شناخت بیشتر از ساختار جامعه و زمینه‌ساز حضور و مشارکت سیاسی افرون‌تر آنان را فراهم می‌سازد.

- با توجه به نتایج تحقیق مبنی بر این که بین عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت های سیاسی اقوام با توسعه مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. لذا پیشنهاد می گردد که مسئولین و برنامه ریزان با اتخاذ سیاست ها و برنامه های مرتبط با این موضوع در جهت عدم وجود تبعیض نسبت به قومیت های مختلف عمل نمایند و عدم وجود تبعیض، باعث اعتماد و توسعه مشارکت سیاسی بیشتر خواهد شد.
 - با عنایت به یافته های تحقیق مبنی بر این که بین توجه به نظرات اقوام با میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. و از سوی دیگر نیز به صورت غیرمستقیم و با واسطه گری متغیرهای احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام و احترام به نخبگان و قوم گرایی نیز رابطه معنادار وجود دارد. لذا پیشنهاد می گردد که مسئولین و برنامه ریزان به طور عام به نظرات افراد و به طور خاص به دیدگاه و رایه نظرات اقوام توجه نمایند که در واقع نوعی احترام به قومیت و بزرگان و ریش سفیدان و نخبگان اقوام نیز محسوب می شود که این امر می تواند، زمینه ساز ارتباط فعالانه آنان با سیستم حاکم در زمینه های مختلف از جمله توسعه مشارکت سیاسی و حضور در صحنه های مختلف انتخاباتی و اعتمادسازی گردد و مشارکت فعال را جایگزین مشارکت انفعالی و خنثی نماید.
 - با لحاظ نمودن یافته های تحقیق مبنی بر این که بین سطح تعلق قومی اقوام (قوم گرایی) با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد که البته این رابطه به طور مستقیم منتهی به توسعه مشارکت سیاسی نمی شود بلکه با واسطه گری متغیر احترام به نخبگان اقوام مورد تأیید قرار می گیرد. بنابراین پیشنهاد می گردد که مسئولین و برنامه ریزان مربوطه با توجه به این که برجستگان و نخبگان اقوام اعم از سیاسی، اقتصادی، دینی، اجتماعی و... جایگاه خاصی در وفاق و همبستگی و پایداری اقوام دارند، نسبت به آنان توجه گردد تا هم قومیت ها تقویت شده و هم گرایش به توسعه مشارکت سیاسی نیز بیشتر گردد.
 - با توجه به یافته های تحقیق مبنی بر این که بین احترام به نخبگان و اقوام با میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد، بنابراین پیشنهاد می گردد مسئولین و برنامه ریزان دخیل در این امر، توجه خاصی نسبت به نخبگان و برجستگان مختلف اقوام که به عنوان گروه مرجع آنان محسوب می شوند، داشته باشند. زیرا به نظر می رسد در اقوام مورد مطالعه، جایگاه خاصی در تصمیمات و هدایت و جهت دهی به افکار و اندیشه های قوم خود داشته اند و احترام به نخبگان اقوام می تواند بسترهای افزایش مشارکت سیاسی اقوام را فراهم آورد.
 - با عنایت به نتایج تحقیق مبنی بر این که بین احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد که البته این رابطه به طور مستقیم منتهی به توسعه مشارکت سیاسی نمی شود، بلکه با واسطه گری متغیرهای احترام به نخبگان اقوام و قوم گرایی مورد تأیید قرار می گیرد. بنابراین پیشنهاد می گردد که در کنار بزرگان و ریش سفیدان اقوام به متغیرهای واسطه توجه شود؛ زیرا نتایج این تحقیق نشان دهنده آن است نخبگان و ویژگی قوم گرایی متغیرهای انگیزشی و تقویتی بزرگان و ریش سفیدان در زمینه توجه بیشتر به امر توسعه مشارکت سیاسی می باشند. و معتقدم که بزرگان و ریش سفیدان بخش جدایی ناپذیر قومیت ها می باشند می توانند به عنوان نخبگان مطرح باشند. و با توجه به تقسیم بندی (رالف دورندورف) و بر اساس معیارهای سنتی و مدرن، نخبگان را می توان به دو نوع تقسیم کرد:
این نخبگان سنتی یا غیر مدرن که می تواند شامل بزرگان و ریش سفیدان و روحانیون باشد.
نخبگان مدرن یا غیر سنتی که می تواند شامل (اقتصادی، سیاسی، علمی، وسایل ارتباط جمعی، ارتش و دستگاه قضا) باشد.
- ارایه پیشنهادات برای محققان آتی**
- الف) با توجه به تنوع قومی و فرهنگی کشورمان، تحقیقات بیشتر با موضوعات مهم مرتبط با اقوام همچون توسعه امور سیاست، امنیت، عدالت و ... انجام پذیرد.

▪ (ب) در خصوص میزان رابطه متغیر توسعه مشارکت سیاسی با متغیرهای نخبگان و متغیر بزرگان و ریش سفیدان اقوام، تحقیقات بیشتری از سوی پژوهش گران انجام گیرد.

نتیجه گیری

در یک جمع بندی کلی می توان گفت: در زندگی سیاسی کشورهای که اقوام مختلف در آن زندگی می کنند، کشمکش ها و تفرقه ها و مسالمت ها و همبستگی های قومی و نژادی نقش اساسی دارند و با توجه به تنوع قومی و مذهبی و حضور اقوام گوناگون در ایران، موضوع توسعه مشارکت سیاسی و رفتارهای سیاسی آنها به ویژه مشارکت در امر انتخابات مجلس شورای اسلامی اهمیت زیادی دارد. در استان گلستان و حوزه شرق آن، اقوام مختلف زندگی می کنند که هر یک به نوبه خود می توانند نقش عمده ای در معادلات امنیتی و سیاسی و انتخاباتی استان ایفا نمایند. یافته های حاصل از آزمون فرضیه اصلی و فرضیات فرعی نشانگر وجود رابطه معنادار بین مولفه های عینی و ذهنی می باشد و هم چنین وجود رابطه معنی دار در فرضیه های فرعی بین متغیرهای مستقل و وابسته می باشد. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج مطالعات پیشین حافظ نیا و پیردشتی ۱۳۸۰، دوانلو ۱۳۹۱، سیدمرادی ۱۳۸۷، گنجی و همکاران ۱۳۸۴، هادیان ۱۳۹۱ و نظریات نوسازی و بسیج اجتماعی (کاردویچ) بسیج قومی (کلیفورد گیرتز) رقابت بر سر منابع (تدرابرت گر)، محرومیت نسبی (مایکل هشر)، قدرت نخبگان (پل آرس و آنتونی اسمیت) و انتخاب عقلانی (حسابگرانه) (مایکل بانتون) همخوانی دارد.

References

1. Opter, David, Andrian, Charles Ove (2002), Political Protest and Social Change, Translator, Mohammad Reza Saeedabadi, Tehran, Strategic Studies Research Center.
2. Ahmadi, Hamid (1993), Ethnicity and Ethnicity in Iran, from Myth to Reality, National Iranian National Quarterly, Nos 2 and
3. Azkia, Mostafa, Ghaffari, Gholamreza (2009), Development Sociology, Tehran, Kayhan.
4. Eftekhari, Ali (2000), Natural Safety Capacity on Ethnicity and Violence in Iran, Strategic Studies Quarterly, No. 5 & 6.
5. Amir Ahmadi, Hooshang (1996), In Search of the Concept of Ethnic Politics, Healthy Society, Year 5, No. 21.
6. Badi, Bertrand (1998), political development, translation by Ahmad Nighibzadeh, Tehran, Gomes.
7. Burton, Roland (2002), Political Ethnology, Naser Fakori Translation, Tehran.
8. Hajiani, Mostafa (1999), Social conflicts in civil society, Tehran, Foundation for Basic Research and Sociological Association of Iran, first issue, spring.
9. Hassanzadeh, Ramadan (2004), Research Methods in Behavioral Sciences, Second Edition, Tehran, Savalan Publishing.
10. Dahl, Robert (1986), Policy Analysis, Translation by Hossein Mozaffarian, Tehran, Publisher.
11. Rad, Firooz (2005), Sociology of Cultural Development, Tehran, Chaplaah Publishing House.
12. Rush, Michael (1999), Society and Politics, Translated by Manouchehr Saboori, Tehran, Sadegh.
13. Rush, Michael (2005), Society and Politics, Translated by Manouchehr Sabouri, Tehran, Sublica.
14. Roche, Gay (2006), Social Change, Seventeenth Edition, Vosoughi's Vocational Translation, Release.
15. Reuters, George (1995), Theories of Sociology, Translation by Ahmad Gharoyzadeh, Tehran, Publisher of Jihad-e-Shahid Publishing Institute (Majed).
16. Salehi Amiri, Seyyed Reza (2010), Management of Ethnic Disputes in Iran, Tehran, Center for Strategic Research of the Assembly.
17. Al-Taie, Ali (2009), a Crisis of Ethnic Identity in Iran, Tehran, Shadegan Publishing House.
18. Fereydouni, Farahnaz (2006), Elections and Political Participation of Individuals, Tehran, Public Relations Publication No. 36.

17. Gomari, Dariush (2006), National Solidarity in Iran, Tehran, Iran Civilized Publishing.
18. Kaviani Rad, Wasi, Hadi (2009), Investigating the Neighborhood Effects on Iran's Elections, Case Study, 1st Period.
19. Goli Verdi, Isa (2013), Iranian Relatives and Convergence Areas, Tehran, Kamil Publications.
- Mehrabi, Alireza (2009), Review and Report on the Principles and Components of National Coherence, Tehran, And Strategic Research Institute.
20. Mosafa, Nasrin (1997), Women's Political Participation in Iran, Tehran, Ministry of Foreign Affairs.
21. Maghsoudi, Mojtaba (2009), Elites, Ethnicity and Ethnic Violence, Encyclopedia Journal of Journalism, Nos. 23-32.
22. Maghsoudi, Mojtaba (2002), Ethnic Transformations in Iran (Causes and Context), National Institutes of Education.